تحلیل

قیمت نفت به کانال ۷۰ دلار برگشت

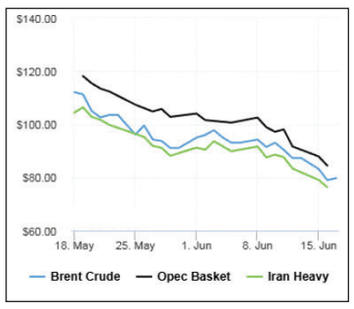

قیمت نفت در معاملات روز چهارشنبه بازار جهانی در ادامه واکنش به تفاهمنامه میان ایران و امریکا، روند کاهشی روز قبل را تداوم بخشید و اندکی کاهش یافت، اما عدم قطعیت در مورد از سرگیری کامل کشتیرانی از طریق تنگه هرمز، کاهش بیشتر قیمت‌ها را محدود کرد. به گزارش ایسنا، قیمت آتی نفت برنت ۱۶ سنت معادل ۰.۲ درصد کاهش یافت و به ۷۸ دلار و ۸۰ سنت در هر بشکه رسید، در حالی که قیمت نفت وست تگزاس اینترمدیت امریکا ۲۵ سنت معادل ۰.۳ درصد کاهش یافت و به ۷۵ دلار و ۸۰ سنت در هر بشکه رسید. با این امید که تفاهم‌نامه ایران و امریکا امکان عبور نفت از تنگه هرمز را فراهم کند، هر دو شاخص نفتی روز سه‌شنبه برای دومین جلسه متوالی حدود پنج درصد کاهش یافتند و به پایین‌ترین حد خود در سه ماه گذشته رسیدند. پریانکا ساچدوا، تحلیلگر ارشد بازار در شرکت فیلیپ نووا گفت: «بازارها به‌طور گسترده ریسک ژئوپلیتیکی نهفته در قیمت نفت را از بین می‌برند. با این اوصاف، مسیر عادی‌سازی روابط هنوز به هیچ‌وجه هموار نیست. در حالی که توافق‌های سیاسی ممکن است در حال پیشرفت باشند، تردد فیزیکی نفتکش‌ها از طریق تنگه هرمز هنوز به‌طور کامل بهبود نیافته است.» هیرویوکی کیکوکاوا، استراتژیست ارشد شرکت «نیسان سکیوریتیز اینوستمنت» گفت: «بازارهای نفت با انتظارات مبنی بر بازگشایی تنگه هرمز پس از تفاهمنامه، عقب‌نشینی کردند، اما معامله‌گران از فروش بیشتر تا زمان اعلام جزییات بیشتر خودداری کردند.» او افزود: «نفت وست تگزاس اینترمدیت احتمالا در محدوده ۱۰ دلار بالاتر یا کمتر از ۸۰ دلار در هر بشکه بی‌ثبات خواهد ماند.» قبل از تجاوز امریکایی صهیونی به ایران که به بسته شدن تنگه هرمز منجر شد، حدود یک پنجم از عرضه جهانی نفت خام و گاز طبیعی مایع از این مسیر جریان داشت. براساس گزارش رویترز، منابع آگاه گفتند گزارش موسسه امریکن پترولیوم نشان می‌دهد که ذخایر نفت خام امریکا در هفته منتهی به ۱۲ ژوئن، ۸.۳ میلیون بشکه کاهش یافته است. این میزان از پیش‌بینی کاهش ۴.۶ میلیون بشکه‌ای فراتر رفت. آمار رسمی بعدازظهر روز جاری از سوی اداره اطلاعات انرژی امریکا منتشر می‌شود. مورگان استنلی و گلدمن ساکس، پس از اعلام تفاهم‌نامه ایران و امریکا در اوایل هفته جاری، پیش‌بینی خود برای قیمت نفت تا پایان سال ۲۰۲۶ و سال ۲۰۲۷ را بازنگری کرده و پایین‌تر آوردند. بلومبرگ با استناد به یادداشتی از تیم کالایی مورگان استنلی گزارش داد که این بانک اکنون میانگین قیمت نفت برنت در سه ماهه سوم را ۹۰ دلار در هر بشکه و در سه ماهه آخر سال جاری، ۸۰ دلار در هر بشکه پیش‌بینی می‌کند. پیش‌بینی قبلی مورگان استنلی، میانگین قیمت ۱۰۰ دلار در هر بشکه برنت در سه‌ماهه سوم بود، در حالی که پیش‌بینی قیمت سه‌ماهه چهارم بدون تغییر بود. در همین حال، گلدمن ساکس پیش‌بینی خود از قیمت نفت برای سه‌ماهه چهارم را از ۹۰ دلار به ۸۰ دلار در هر بشکه و پیش‌بینی میانگین قیمت نفت برنت در سال ۲۰۲۷ را از ۸۰ دلار، به ۷۵ دلار در هر بشکه بازبینی کرد. به گفته تحلیلگران کالایی این بانک، ترافیک نفتکش‌ها از طریق تنگه هرمز تا پایان ژوئیه به‌طور کامل بهبود خواهد یافت. بانک سیتی حتی نسبت به سایر همتایان خود در مورد قیمت نفت بدبین‌تر بود. این بانک روز دوشنبه، پیش‌بینی خود از قیمت نفت برنت برای ماهه سوم امسال را به ۷۵ دلار در هر بشکه و در سه ماهه پایانی به میانگین ۷۰ دلار در هر بشکه کاهش داد. سیتی برای سال ۲۰۲۷ انتظار دارد میانگین قیمت برنت ۶۵ دلار در هر بشکه باشد. این رقم نسبت به پیش‌بینی قبلی ۸۰ دلار در هر بشکه برای سال ۲۰۲۷ کاهش یافته است.

خبر

صادرات روزانه ۱۳۳ هزار بشکه نفت ایران به هند پس از ۸ سال

اوپک از صادرات روزانه ۱۳۳ هزار بشکه نفت ایران به هند در چهارمین ماه سال جاری میلادی خبر داد. به گزارش تسنیم، سازمان کشورهای صادرکننده نفت در جدیدترین گزارش ماهانه خود اعلام کرد هند در ماه آوریل سال جاری میلادی ۴.۹ میلیون بشکه در روز نفت خام وارد کرده است. در حالی که طی ماه مارس واردات نفت این کشور به دلیل بسته شدن تنگه هرمز کاهش قابل توجهی داشته و به ۴.۴۹ میلیون بشکه در روز رسیده بود در ماه آوریل واردات نفت این کشور با افزایش ۴۱۰ هزار بشکه‌ای به ۴.۹ میلیون بشکه در روز رسید که البته این رقم همچنان کمتر از رقم ثبت شده پیش از جنگ علیه ایران (۵.۲۶ میلیون بشکه در روز) است. براساس این گزارش، هند که از سال ۲۰۱۸ با پیروی از تحریم‌های امریکا علیه ایران واردات نفت از ایران را متوقف کرده بود در ماه آوریل امسال ۱۳۳ هزار بشکه در روز نفت ایران را وارد کرده است. ارزش واردات نفت ایران توسط هند در ماه آوریل با توجه به متوسط ۱۰۵ دلاری قیمت نفت ایران در این ماه به بیش از ۴۰۰ میلیون دلار می‌رسد که این رقم ارزش تجارت خارجی دو کشور را تا حد قابل توجهی افزایش می‌دهد. به گزارش اقتصاد معاصر، روسیه با صادرات ۱.۷ میلیون بشکه در روز بزرگ‌ترین صادرکننده نفت به هند در آوریل ۲۰۲۶ بوده است و عربستان با صادرات روزانه ۶۷۰ هزار بشکه‌ای در رتبه دوم از این نظر قرار داشته است.

گزارش «تعادل» از وقتی که بحران انرژی از تولید عبور می‌کند

انرژی در پیچ تاریخی!

گلناز پرتوی‌مهر |

چالش انرژی در ایران دیگر صرفا به میزان تولید محدود نمی‌شود. سال‌هاست که بحث افزایش تولید گاز، توسعه میادین و گسترش خطوط انتقال به عنوان مهم‌ترین راه‌حل‌های تأمین انرژی مطرح می‌شود، اما تجربه سال‌های اخیر نشان داده است که مساله ناترازی انرژی ابعادی فراتر از تولید دارد. امروز شکاف میان عرضه و تقاضای انرژی بیش از آنکه ناشی از کمبود منابع باشد، حاصل ترکیبی از الگوهای مصرف، ساختارهای اقتصادی، سیاست‌های قیمتی و ضعف بهره‌وری در بخش‌های مختلف است. ایران یکی از بزرگ‌ترین دارندگان ذخایر گاز طبیعی جهان است و طی دهه‌های گذشته با سرمایه‌گذاری‌های گسترده در توسعه شبکه گازرسانی، توانسته است دسترسی بخش بزرگی از جمعیت کشور به این منبع انرژی را فراهم کند. این دستاورد از منظر عدالت انرژی، کاهش مصرف سوخت‌های آلاینده و افزایش رفاه عمومی اهمیت بالایی داشته است. بسیاری از روستاها و مناطق دورافتاده که پیش‌تر با محدودیت‌های جدی در تأمین سوخت روبه‌رو بودند، امروز از شبکه گسترده گاز بهره می‌برند و این موضوع کیفیت زندگی در این مناطق را به شکل محسوسی تغییر داده است. اما همین دستاورد بزرگ در طول زمان پیامدهای دیگری نیز به همراه داشته است. گسترش فراگیر شبکه گازرسانی، همراه با رشد جمعیت، توسعه شهرنشینی و افزایش تعداد مشترکان، به شکل طبیعی موجب رشد سریع مصرف گاز شده است. در واقع، سیاستی که در ابتدا با هدف افزایش رفاه عمومی طراحی شده بود، در بلندمدت به وابستگی گسترده بخش‌های مختلف اقتصاد و زندگی روزمره به گاز طبیعی انجامیده است؛ وابستگی‌ای که اکنون مدیریت آن به یکی از چالش‌های مهم حوزه انرژی تبدیل شده است. ناترازی انرژی زمانی رخ می‌دهد که رشد مصرف از ظرفیت تولید و عرضه پیشی بگیرد. این وضعیت به‌ویژه در فصل زمستان و در دوره‌های اوج مصرف بیشتر نمایان می‌شود؛ زمانی که تقاضای بخش خانگی برای گرمایش افزایش می‌یابد و فشار سنگینی بر شبکه گاز کشور وارد می‌کند. در چنین شرایطی، گاهی ناچار بخشی از گاز مورد نیاز صنایع یا نیروگاه‌ها کاهش می‌یابد تا تأمین انرژی بخش خانگی دچار اختلال نشود. این موضوع در نهایت می‌تواند زنجیره‌ای از پیامدهای اقتصادی، از کاهش تولید صنعتی تا افزایش هزینه‌های تأمین انرژی در بخش‌های دیگر را به همراه داشته باشد. با این حال، تقلیل مساله ناترازی به کمبود تولید یا نسبت دادن آن به عملکرد یک دوره مدیریتی، تصویری ناقص از واقعیت ارایه می‌دهد. این پدیده حاصل انباشت مجموعه‌ای از عوامل در طول سال‌های گذشته است؛ از ساختار قیمت‌گذاری انرژی و سیاست‌های حمایتی گرفته تا الگوهای مصرف، ضعف بهره‌وری و محدودیت‌های سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها. یکی از مهم‌ترین عوامل موثر در افزایش مصرف انرژی در کشور، نظام قیمت‌گذاری یارانه‌ای حامل‌های انرژی است. این سیاست‌ها در دهه‌های گذشته نقش مهمی در افزایش دسترسی خانوارها به انرژی و کاهش فشار هزینه‌های زندگی داشته‌اند، اما در کنار این مزایا، پیامدهایی نیز به همراه داشته‌اند. فاصله قابل توجه میان قیمت پرداختی مصرف‌کنندگان و هزینه واقعی تولید، انتقال و توزیع انرژی باعث شده است حساسیت عمومی نسبت به میزان مصرف کاهش یابد. زمانی که انرژی با هزینه‌ای بسیار کمتر از قیمت واقعی در اختیار مصرف‌کننده قرار می‌گیرد، انگیزه کافی برای صرفه‌جویی یا سرمایه‌گذاری در افزایش بهره‌وری نیز شکل نمی‌گیرد. این مساله به‌ویژه در بخش ساختمان به شکل ملموسی قابل مشاهده است. ساختمان‌ها یکی از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان انرژی در ایران محسوب می‌شوند و بخش قابل توجهی از گاز کشور برای تأمین گرمایش واحدهای مسکونی و تجاری مصرف می‌شود. با این حال، بسیاری از ساختمان‌های موجود از نظر عایق‌بندی حرارتی، کیفیت پنجره‌ها، طراحی معماری و تجهیزات گرمایشی با استانداردهای روز فاصله دارند. نتیجه چنین وضعیتی آن است که بخش زیادی از انرژی تولیدشده پیش از آنکه به مصرف مفید برسد، به شکل اتلاف حرارتی از دست می‌رود. اجرای دقیق مقررات ملی ساختمان و ارتقای استانداردهای ساخت‌وساز می‌تواند نقش مهمی در کاهش مصرف انرژی ایفا کند. استفاده از عایق‌های حرارتی مناسب، پنجره‌های دو یا سه جداره، طراحی متناسب با شرایط اقلیمی و بهره‌گیری از تجهیزات گرمایشی کم‌مصرف از جمله اقدام‌هایی است که می‌تواند مصرف گاز در ساختمان‌ها را به شکل قابل توجهی کاهش دهد. در کنار ساخت‌وسازهای جدید، بهینه‌سازی ساختمان‌های موجود نیز اهمیت زیادی دارد، زیرا بخش بزرگی از مصرف انرژی مربوط به ساختمان‌هایی است که در سال‌های گذشته و بدون رعایت استانداردهای بهره‌وری ساخته شده‌اند. در کنار بخش ساختمان، صنعت برق نیز نقش مهمی در معادله مصرف گاز دارد. سهم قابل توجهی از گاز تولیدی کشور در نیروگاه‌ها مصرف می‌شود و به همین دلیل، هرگونه تغییر در ساختار تولید برق می‌تواند تأثیر مستقیمی بر مصرف گاز داشته باشد. افزایش بازدهی نیروگاه‌ها، تبدیل نیروگاه‌های قدیمی به سیکل ترکیبی، نوسازی واحدهای فرسوده و توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر از جمله اقدام‌هایی است که می‌تواند وابستگی تولید برق به گاز طبیعی را کاهش دهد. در سال‌های اخیر بسیاری از کشورها تلاش کرده‌اند با تنوع‌بخشی به سبد انرژی خود، وابستگی به یک منبع خاص را کاهش دهند. توسعه انرژی‌های خورشیدی، بادی و دیگر منابع تجدیدپذیر نه‌تنها به کاهش فشار بر منابع فسیلی کمک می‌کند، بلکه امنیت انرژی را نیز افزایش می‌دهد. ایران نیز به دلیل برخورداری از ظرفیت‌های قابل توجه در حوزه انرژی خورشیدی و بادی، می‌تواند از این ظرفیت‌ها برای متنوع‌سازی سبد انرژی خود بهره بگیرد. در کنار همه این عوامل، نباید از نقش فرهنگ مصرف غافل شد. در بسیاری از کشورها صرفه‌جویی در مصرف انرژی به بخشی از فرهنگ عمومی تبدیل شده است. شهروندان با آگاهی از هزینه واقعی انرژی و تأثیر مصرف خود بر محیط‌زیست و اقتصاد، تلاش می‌کنند مصرف غیرضروری را کاهش دهند. در ایران نیز ظرفیت قابل توجهی برای اصلاح الگوی مصرف وجود دارد. تنظیم دمای مناسب در منازل، سرویس دوره‌ای وسایل گرمایشی، استفاده از تجهیزات استاندارد و عایق‌بندی ساختمان‌ها از جمله اقدام‌های ساده‌ای هستند که در صورت فراگیر شدن می‌توانند تأثیر قابل توجهی در کاهش مصرف انرژی داشته باشند. از سوی دیگر، اجرای قوانین و مقررات مرتبط با بهره‌وری انرژی نیز اهمیت زیادی دارد. در سال‌های گذشته اسناد بالادستی و قوانین متعددی در حوزه مدیریت مصرف انرژی تدوین شده است، اما اجرای کامل این قوانین و هماهنگی میان دستگاه‌های مختلف همچنان با چالش‌هایی روبه‌رو است. تقویت سازوکارهای نظارتی و ایجاد هماهنگی بیشتر میان نهادهای مسوول می‌تواند به تحقق اهداف این سیاست‌ها کمک کند. در نهایت باید پذیرفت که ناترازی انرژی مساله‌ای چندبعدی و پیچیده است و نمی‌توان برای آن یک راه‌حل ساده و کوتاه‌مدت ارایه کرد. افزایش تولید گاز همچنان ضروری است، اما به‌تنهایی نمی‌تواند این چالش را حل کند. مدیریت مصرف، ارتقای بهره‌وری، اصلاح ساختارهای اقتصادی و تنوع‌بخشی به منابع انرژی باید همزمان دنبال شوند. اگر این رویکرد جامع در سیاستگذاری انرژی کشور شکل بگیرد، می‌توان امید داشت که شکاف میان عرضه و تقاضای انرژی در سال‌های آینده کاهش یابد و امنیت انرژی کشور در بلندمدت تقویت شود. در غیر این صورت، حتی با افزایش ظرفیت تولید نیز احتمال تداوم فشار بر شبکه انرژی و تکرار بحران‌های فصلی همچنان وجود خواهد داشت.

علت توزیع یکنواخت مصرف گاز در دهک‌های درآمدی چیست؟

براساس تحقیقات انجام‌شده مصرف گاز در بخش‌های مختلف درآمدی یکنواخت است و این گفته که فقط پردرآمدها گاز بیشتر مصرف می‌کنند اشتباه است. به گزارش مهر، مصرف بالای گاز در فصول سرد سال، به‌ویژه در بخش خانگی (برای مثال در سال ۱۴۰۳ بخش خانگی دارای سهم متوسط ۲۸ درصدی از مصرف گاز طبیعی کشور بوده که در ماه اوج فصل سرد به حدود ۴۶ درصد می‌رسد) همواره یکی از معضلات ساختاری و تکرارشونده در اقتصاد انرژی کشور بوده است. هر ساله با افت دما، زنگ خطر ناترازی به صدا درمی‌آید و نوک پیکان انتقادات به سمت مصرف‌کنندگان خانگی نشانه می‌رود. در این میان، یک خلأ سیاستی بزرگ همواره مسیر تصمیم‌گیری را منحرف می‌کرد: «نبود تصویر دقیق و مبتنی بر داده از رابطه میان مصرف گاز و وضعیت رفاهی خانوارها» سال‌ها تصور غالب و سیاست‌گذاری‌ها بر این پیش‌فرض استوار بود که پرمصرفی، مختص دهک‌های بالای درآمدی است و صرفاً طبقات مرفه هستند که گاز را می‌بلعند. اما گزارش جدید و ابتکاری مرکز پژوهش‌های مجلس، تصویر سنتی ما از ناترازی گاز را دگرگون کرده است.

نوآوری در پژوهش؛ پیوند قبوض گاز با داده‌های رفاهی و سنجش مصرف به ازای هر مترمربع

نقطه قوت و تمایز این گزارش تحلیلی، مبتنی بر شواهد بودن آن است. در این پژوهش برای نخستین‌بار، «داده‌های واقعی مصرف گاز مشترکین خانگی در سطح ملی با اطلاعات رفاهی خانوارها پیوند داده شده است» این تلفیق هوشمندانه پایگاه‌های داده، به سیاست‌گذار اجازه می‌دهد تا از سطح تحلیل‌های انتزاعی عبور کرده و ببیند در هر اقلیم و در هر دهک اقتصادی، رفتار مصرفی خانوارها دقیقا چگونه است. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این گزارش، تغییر شاخص ارزیابی مصرف است. اگرچه در نگاه کلی، دهک‌های ثروتمندتر به دلیل داشتن متراژ بالای منازل مسکونی و امکاناتی نظیر استخر، در مجموع گاز بیشتری مصرف می‌کنند، اما وقتی شاخص «مصرف گاز خانگی به مساحت منازل مسکونی» مبنای محاسبه قرار می‌گیرد، حقیقت نمایان می‌شود. داده‌های استخراج‌شده در این پژوهش نشان می‌دهد که دهک‌های پایین درآمدی برای گرمایش هر مترمربع از محل سکونت خود، گاز به‌مراتب بیشتری نسبت به دهک‌های مرفه مصرف می‌کنند. براساس این گزارش، میزان مصرف گاز به ازای هر مترمربع زیربنا در کل کشور، برای دهک اول ۲۳ مترمکعب و برای دهک دهم ۱۷ مترمکعب است. این آمار شگفت‌انگیز یک پیام روشن دارد: مصرف بالای دهک‌های کم‌برخوردار ناشی از «اسراف و رفاه» نیست، بلکه ریشه در «فقدان تجهیزات گرمایشی پربازده» و «عایق‌بندی نامناسب ساختمان‌ها» دارد. خانواری که توان مالی برای تعویض پنجره‌های غیراستاندارد یا جایگزینی بخاری فرسوده با رده انرژی پایین را ندارد، ناچار است برای فرار از سرما، گاز بیشتری بسوزاند.

بهینه‌سازی مصرف مقدم بر هر اقدامی

با اثبات این واقعیت که بخش بزرگی از هدررفت گاز در دهک‌های پایین به دلیل فرسودگی تجهیزات است، گزارش مرکز پژوهش‌ها خط بطلانی بر سیاست «شوک‌درمانی قیمتی» می‌کشد. اگر دولت‌ها پیش از اصلاح زیرساخت‌ها، اقدام به آزادسازی دفعی قیمت‌ها یا اجرای طرح‌هایی از قبیل: بازتوزیع یارانه‌های انرژی کنند، فشار خرد کننده‌ای به طبقات ضعیف وارد خواهد شد. خانواری که از بخاری فرسوده استفاده می‌کند، با گران شدن گاز توانایی کاهش مصرف خود را ندارد، بلکه تنها سهم هزینه‌های انرژی در سبد خانوارش به‌شدت افزایش می‌یابد و این امر تبعات سنگین اجتماعی و معیشتی در پی خواهد داشت.

نقشه راه پیشنهادی: راهبردی چندگانه

برمبنای یافته‌های این گزارش، مسیر حل ناترازی گاز از یک راهبرد دو مرحله‌ای و همزمان می‌گذرد:

۱. اولویت قطعی بهینه‌سازی: پیش از هرگونه دستکاری در ساختار قیمت‌ها برای دهک‌های پایین و متوسط در قالب شوک درمانی و آزادسازی قیمتی، باید نهضت ملی «بهینه‌سازی» شکل بگیرد. تعویض میلیون‌ها بخاری فرسوده با تجهیزات با راندمان بالا، عایق‌بندی موتورخانه‌ها و حمایت از شرکت‌های خدمات انرژی (ESCO) باید در دستور کار قرار گیرد. **۲. اصلاح پلکانی و هوشمند:** همزمان با فراهم شدن بستر بهینه‌سازی و برای جلوگیری از هدررفت گاز توسط فوق‌پرمصرف‌ها (که عموما در دهک‌های بالا قرار دارند و مصارف لوکس دارند)، باید نظام تعرفه‌گذاری به‌صورت پلکانی (IBT) اصلاح شود. افزایش قیمت‌ها باید تدریجی، هوشمند و با تمرکز بر پله‌های بالای مصرف باشد تا فشار اقتصادی به عموم مردم و دهک‌های آسیب‌پذیر وارد نشود. درک این موضوع که دهک‌های پایین جامعه بیشترین مصرف را به ازای هر متر مربع دارند، رویکرد سیاست‌گذاری را از «تمرکز صرف بر رفتار مصرفی» به «اصلاح تجهیزات و حمایت از بهینه‌سازی» تغییر می‌دهد. عبور موفقیت‌آمیز از بحران زمستان‌های سرد، نیازمند آن است که سیاست‌گذار ابتدا ابزار صرفه‌جویی را در اختیار خانوار قرار دهد و همزمان نیز با ابزار قیمت‌گذاری پلکانی، رفتار پرمصرف‌ها را تنظیم کند.

چرا اوضاع آب تهران همچنان خوب نیست؟

مدیرکل دفتر مدیریت مصرف و کاهش هدررفت شرکت آب و فاضلاب کشور گفت: اگرچه در تهران بارندگی‌ها خوب بود اما چون حجم ذخیره قبلی را سال گذشته استفاده کرده بودیم؛ همچنان در مقایسه با آمار بلندمدت کاهشی هستیم. علی سیدزاده در گفت‌وگو با ایلنا، درباره وضعیت بارش و تاثیری که در بهبود ذخایر سدها داشته، اظهار داشت: آمارها نشان می‌دهد امسال در بخش‌هایی از غرب، شمال غرب و جنوب غرب کشور وضعیت بارندگی نسبتا نسبت به سال گذشته بهتر بوده است و همین باعث شده بسیاری از سدها به حجم لازم رسیده‌اند. اگرچه همچنان در کلان شهرهایی مانند مشهد، گلستان، قم و اراک مخصوصا تهران دچار مشکل کمبود آب هستیم. وی ادامه داد: اگرچه در تهران هم بارندگی‌ها خوب بود ولی چون حجم ذخیره قبلی را سال گذشته استفاده کرده بودیم؛ همچنان در مقایسه با آمار بلندمدت کاهشی هستیم، یعنی هرچند نسبت به سال گذشته افزایش بارش داشته‌ایم اما نسبت به بلندمدت ۳۰ تا ۳۵ درصد کاهش داریم. سخنگوی صنعت آب و فاضلاب کشور ابراز امیدواری کرد که با شیوه‌های سال گذشته از جمله مدیریت مصرف بهینه آب توسط مردم و اقداماتی که در شرکت‌های آبفا در حوزه شبکه‌های توزیع انجام شد، بتوانیم مدیریت لازم را در سال جاری نیز اعمال کنیم. وی در ادامه درباره وضعیت ذخایر و تامین آب در سیستان بلوچستان توضیح داد: طبق آمار وضعیت بارندگی در این استان نسبت به پارسال بهتر شده و مخصوصا در چاه‌نیمه‌ها شرایط ذخیره آب بهتر بوده است. مدیرکل دفتر مدیریت مصرف و کاهش هدررفت شرکت آب و فاضلاب کشور خاطرنشان کرد: چاه‌نیمه‌ها در استان سیستان و بلوچستان در واقع نقش مخازن نگهداری آب را بازی می‌کنند در کل اوضاع آب این استان نسبت به سال گذشته بهتر است اما همچنان در روستاهای دوردست و مناطقی که به آب سالم شرب و بهداشتی دسترسی ندارند؛ آبرسانی سیار و تانکری در دستور کار است. وی درباره اوضاع تامین آب در اصفهان نیز گفت: بارندگی در اصفهان نیز نسبت به پارسال بهتر بوده است و شرایط سدز اینده رودهم نسبت به مدت مشابه سال گذشته بهتر است اما قاعدتا موضوع مدیریت بهینه مصرف آب همچنان باید در دستور کار قرار گیرد.

رویداد

مخالفت ترکیه با درخواست عراق برای تمدید قرارداد خط لوله نفت

یک مقام ارشد ترکیه اعلام کرد که آنکارا با وجود درخواست بغداد برای تمدید یک‌ساله قرارداد خط لوله نفت کرکوک-جیحان برای ایجاد فضا برای مذاکرات بیشتر، مایل به تمدید قرارداد خط لوله نفت کرکوک-جیحان تحت شرایط فعلی نیست. به گزارش ایسنا، توافقنامه خط لوله نفت خام ترکیه و عراق که بر حمل و نقل از طریق خط لوله نظارت دارد، در ۲۷ ژوئیه (پنجم مرداد) منقضی می‌شود. بغداد و آنکارا اکنون در حال بررسی پیش‌نویس اصلاح شده قرارداد هستند. وقتی از این مقام ترکیه‌ای در مورد تمایل عراق برای تمدید قرارداد سوال شد، او اظهار کرد که حفظ قراردادی که شامل داوری باشد، منطقی نیست. بندر جیحان ترکیه به عنوان یک خروجی حیاتی برای صادرات نفت خام عراق عمل می‌کند. پایانه اصلی صادرات عراق در جنوب، پس از آغاز تجاوز امریکایی صهیونی به ایران در ۲۸ فوریه (۹ اسفند) به‌طور قابل توجهی تحت تاثیر تعلیق ترافیک دریایی از طریق تنگه هرمز قرار گرفت. سال گذشته، ترکیه به قرارداد خط لوله پایان داد و درخواست تمدید آن را با شرایط جدید کرد. طرح ترکیه شامل چارچوبی برای تضمین استفاده از ظرفیت کامل خط لوله و همچنین پروژه‌های بالقوه‌ای مانند گسترش خط لوله به جنوب عراق است. انتقال نفت خام از طریق خط لوله نفت عراق-ترکیه، که تقریبا ۰.۵ درصد از نفت جهان را منتقل می‌کرد، از مارس ۲۰۲۳ به دلیل برخی مشکلات مالی و حقوقی متوقف شده است. پس از آنکه اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC) در پاریس حکم داد که آنکارا با اجازه صادرات نفت بدون تایید دولت فدرال در بغداد، معاهده ۱۹۷۳ را نقض کرده است، جریان نفت از طریق خط لوله نفت عراق-ترکیه متوقف شد.

ادامه از صفحه اول

خودروسازی ایران در آستانه یک پیچ تاریخی در پساتوافق

عامل سوم که می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در کنترل بازار داشته باشد، میزان عرضه خودرو در برابر تقاضاست. اگر سیاستگذار بتواند از طریق روش‌های مختلف عرضه خودرو را افزایش بدهد یا تقاضای هیجانی در بازار را مدیریت کند، امکان کنترل نوسانات قیمتی نیز بیشتر خواهد شد. افزایش عرضه می‌تواند در شرایطی که بازار روند صعودی دارد از شدت افزایش قیمت‌ها بکاهد. در مقابل، اگر بازار وارد مسیر نزولی شود، افزایش عرضه می‌تواند روند کاهش قیمت‌ها را تسریع کند و بازار را سریع‌تر به نقطه تعادل برساند. در مجموع به نظر می‌رسد صنعت خودروسازی ایران در مقطعی قرار گرفته که می‌تواند تحت تاثیر تحولات سیاسی و اقتصادی آینده وارد مرحله‌ای تازه شود. اگر گشایش‌های اقتصادی به‌طور واقعی شکل بگیرد و نرخ ارز به ثبات برسد، احتمال دارد بازار خودرو نیز از فضای هیجانی فاصله بگیرد و به سمت تعادل حرکت کند. با این حال تا زمانی که این تحولات به مرحله قطعی نرسند، بازار خودرو همچنان در معرض نوسان خواهد بود؛ نوسانی که بیش از هر چیز از فضای انتظارات اقتصادی و سیاسی تغذیه می‌کند. در چنین شرایطی، مسیر آینده صنعت خودرو بیش از هر زمان دیگری به تحولات کلان اقتصاد و سیاست گره خورده است.

تفاهم؛ فرصت تازه برای بازارکار ایران

در چنین شرایطی، جذب سرمایه خارجی می‌تواند به تسریع روند توسعه اقتصادی کمک کرده و فرصت‌های شغلی جدیدی در کشور ایجاد کند. در این میان، کشورهای منطقه نیز می‌توانند نقش مهمی در توسعه همکاری‌های اقتصادی با ایران ایفا کنند. در سال‌های گذشته بخش قابل توجهی از سرمایه‌های کشورهای عربی به سمت بازارهای غربی هدایت می‌شد اما تحولات منطقه‌ای و تغییر ملاحظات اقتصادی و امنیتی ممکن است زمینه همکاری‌های اقتصادی گسترده‌تری با ایران را فراهم کند. گسترش این همکاری‌ها می‌تواند علاوه بر تقویت تجارت منطقه‌ای، به انتقال فناوری، افزایش سرمایه‌گذاری و توسعه پروژه‌های مشترک اقتصادی منجر شود. در نهایت، اگر مجموعه این تحولات با مدیریت صحیح اقتصادی همراه شود، می‌توان انتظار داشت که اقتصاد ایران وارد مرحله‌ای تازه از رشد و توسعه شود. کاهش تنش‌های سیاسی، افزایش تعاملات اقتصادی، جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و ایجاد ثبات در بازارهای مالی می‌تواند زمینه‌ساز رونق تولید و افزایش اشتغال در کشور باشد. در چنین شرایطی، بازار کار نیز به تدریج از رکود خارج شده و ظرفیت‌های جدیدی برای کارآفرینی و اشتغال در بخش‌های مختلف اقتصاد فعال خواهد شد.

اهمیت صیانت از قدرت خرید

اقتصاد مقاومتی از نگاه رهبر شهید تنها به معنای مقابله با تحریم‌ها نبود، بلکه مجموعه‌ای از سیاست‌ها برای تقویت بنیان‌های اقتصادی کشور، افزایش تاب‌آوری اقتصاد، حمایت از تولید داخلی، ارتقای بهره‌وری و تحقق عدالت اقتصادی را در بر می‌گرفت. اگر بخواهیم به دیدگاه‌های اقتصادی رهبر شهید وفادار بمانیم، باید در کنار حمایت از تولید و سرمایه‌گذاری، حفظ ارزش پول ملی، تقویت قدرت خرید مردم و کاهش فاصله طبقاتی را در اولویت سیاستگذاری‌های اقتصادی قرار دهیم، چراکه این موارد از مهم‌ترین الزامات تحقق عدالت اقتصادی و اقتصاد مقاومتی به شمار می‌روند.